Social Work-Based Approach to the Empowerment Model of Rough Sleepers

Akbar Bakhshinia: Ph.D. Candiate, department of social work, Allame Tabatabaee university, Tehran, Iran. akbar.bakhshinia@gmail.com

Habib Aghabakhshi*: Associate professor, university of social welfare and rehabilitation sciences, Tehran, Iran. haghbakhshi7@gmail.com.

Saeed Zokaei: Professor, faculty of social sciences, Allame Tabatabaee university, Tehran, Iran. saeed.zokaei@gmail.com.

Soheila Sadeghi Fasaei: Associate professor, sociology department of Thehran university, Tehran, Iran. s_sadeghi@yahoo.com.

Abstract

Introduction: In the recent two decades, a special kind of homelessness and rooflessness which is named rough sleepers has been appeared in our country, especially in the big city Tehran. The sleeping rough is a sign and resultant of other social issues in society and it also can lead to many more. Different governmental and non-governmental organizations have executed many interventional projects through different approaches. These interventions gradually inclined to support and empower rough sleepers. The research aim was offering an empowerment model for rough sleepers, based on the social work approach.

Methods: This study was a qualitative type and conducted through the thematic analysis method. Data were collected by semi-structured in-depth interviews with eleven experts in sleeping rough and social pathology fields, in summer 2018. Sampling was initiated with a purposeful method and data was saturated with theoretical sampling. Data were analyzed through the "Wolcott" manner.

Results: Nine themes or categories emerged from the viewpoint of the experts about the issue and solutions, and shaped the network of empowerment themes. Then, by using a social work-based approach the empowerment model of rough sleepers was planed.

Conclusions: A variety of social factors are affecting the empowerment of rough sleepers and using the contributive method with social work values, principles, and theories strengthens and facilitate this process.

Keywords

Homelessness

Rough Sleepers (Sleeping Rough Rough Sleeping)

Substance Abuse

Thematic Analysis

Contributive Empowerment

*Corresponding Author

Study Type: Original
Received: 09 Oct 2018
Accepted: 12 Feb 2019

Please cite this article as follows: Bakhshinia A, Aghabakhshi H, Zokaei S, and Sadeghi Fasaei S. Social work-based approach to the empowerment model of rough sleepers. Quarterly journal of social work. 2019; 8 (4); 14-26

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-01-30]

الگوی توانمندسازی افراد کارتن‌خواب با رویکرد مددکاری اجتماعی

اکبر بخشی‌نیا: دانشجوی دکترای مددکاری اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران. akbar.bakhshinia@gmail.com
حبیب آقابخشی*: دانشیار دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، تهران، ایران. haghbakhshi7@gmail.com
سعید ذکایی: استاد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران. saeed.zokaei@gmail.com
سهیلا صادقی فسایی: دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران، تهران، ایران. s_sadeghi@yahoo.com

واژگان کلیدی

بی خانمانی

کارتن‌خوابی

سوءِمصرف مواد

تحلیل موضوعی

توانمندسازی مشارکتی

چکیده

مقدمه: در دو دهه اخیر نوع خاصی از بی‌خانمانی و بی‌سرپناهی که کارتن‌خوابی نام گرفته، در کشور ما و به‌ویژه کلان‌شهر تهران پدیدار شده است. کارتن‌خوابی نشانه و برآیندی از وجود سایر مسایل و آسیب‌های اجتماعی در جامعه است و همچنین می‌تواند زمینه‌ساز آن‌ها گردد. سازمان‌های مختلف دولتی و غیردولتی به این معضل ورود کرده و طرح‌های مداخلاتی متعددی با رویکردهای مختلف اجرا کرده‌اند. به تدریج تفکر حمایت از افراد کارتن‌خواب، خدمات‌رسانی و در نهایت توانمندسازی آنان در بین مسولان، مجریان و سیاست‌گذاران ذی‌ربط شکل گرفت. هدف این پژوهش، ارایه الگوی توانمندسازی با رویکرد مددکاری اجتماعی برای این افراد است.

روش: این پژوهش کیفی و به روش تحلیل موضوعی انجام شده است. داده‌ها از طریق مصاحبه عمیق و نیمه‌ساختارمند با یازده نفر از کارشناسان و خبرگان حوزه آسیب‌شناسی اجتماعی و کارتن‌خوابی، طی تابستان ۱۳۹۷، جمع‌آوری شد. نمونه با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند با این تعداد، به کفایت نظری رسید. داده‌ها به روش اشتراوس و کوربین و شیوه ولکات تحلیل شد.

نتایج: از داده‌های به‌دست آمده نه مضمون/مقوله-تم استخراج گردید که بیانگر نظرات کارشناسان و خبرگان در باره کارتن‌خوابی و شیوه توانمندسازی افراد کارتن‌خواب بود که شبکه مضمون‌ها را شکل دادند. سپس الگوی توانمندسازی افراد کارتن‌خواب با رویکرد مددکاری اجتماعی ترسیم گردید.

بحث و نتیجه‌گیری: عوامل اجتماعی مختلفی در توانمندسازی این افراد موثرند و شیوه مشارکتی در توانمندسازی همراه با به‌کارگیری ارزش‌ها، اصول مددکاری اجتماعی و نظریه‌های مرتبط با آن، این فرایند را تسهیل و تقویت کرده و کارآمد می‌سازد.

* نویسنده مسئول
نوع مطالعه: پژوهشی
تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۷/۱۷
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۲۳

نحوه استناد به مقاله: اکبر بخشی‌نیا، حبیب آقا بخشی، سعید ذکایی و سهیلا صادقی فسایی. الگوی توانمندسازی افراد کارتن‌خواب با رویکرد مددکاری اجتماعی. فصلنامه مددکاری اجتماعی، ۱۳۹۸؛ ۸ (٤): ٢٦-١٤

[Downloaded from socialworkmag.ir on 2026-01-30]

مقدمه

بی‌خانمانی در ادبیات علوم اجتماعی طیف وسیعی از افراد و گروه‌ها را در بر می‌گیرد. چنانچه کسانی که در سوانح طبیعی همچون سیل و زلزله، خانه و کاشانه خود را از دست می‌دهند؛ یا کسانی که به‌علت فقر شدید نتوانسته‌اند برای خود مسکن و سرپناهی تهیه نمایند، بی‌خانمان نامیده می‌شوند. اما دسته دیگری از افراد بی‌خانمان وجود دارند که تحت تاثیر نا بسامانی‌های اقتصادی و آسیب‌های اجتماعی، به‌ویژه سوء مصرف مواد، به کارتن‌خوابی کشیده شده‌اند. بدیهی است این دسته از بی‌خانمانان به لحاظ ویژگی‌های فردی، رفتاری، شخصیتی و شرایط اجتماعی کاملا متفاوت از دسته‌های دیگرند. اما در ادبیات آسیب‌های اجتماعی معمولا واژه بی‌خانمان درباره آنان نیز به‌کار برده می‌شود. همچنین از واژه بی‌سرپناه، معتاد خیابانی، خیابان خواب هم استفاده می‌گردد. گرچه صرف کارتن‌خوابی را نمی‌توان آسیب اجتماعی دانست، اما می‌تواند منجر به آسیب اجتماعی شود، یا آسیب‌های اجتماعی مختلفی را در پی داشته باشد.

مساله کارتن‌خوابی و بی‌سرپناهی در زمستان سال ۱۳۸۲ با مرگ چند تن در خیابان‌های تهران به‌عنوان یک معضل جدی اجتماعی، توجه جامعه را به خود جلب کرد. از منظر سازمان رفاه، خدمات و مشارکت اجتماعی شهرداری تهران۲۰۱۰ فرد بی‌خانمان به کسی اطلاق می‌شود که معمولا در معابر و اماکن عمومی به صورت شبانه روزی یا صرفا شبانه زندگی می کند.(۱) طبق نظر میلز، می‌توانیم کارتن‌خوابی را هم یک مشکل فردی هم یک مساله عمومی بدانیم. افراد کارتن‌خواب با مشکلات و چالش‌های متعددی روبرویند.(۲) علیوردی‌نیا می‌نویسد در شهر تهران کارتن‌خواب‌ها زیاد به چشم می‌خورند. این افراد با مشکلاتی نظیر اعتیاد، مصرف الکل، بیماری ذهنی، گسیختگی خانواده، بیماری جسمی و سوءتغذیه مواجه‌اند و تعدادی از آنان نیز به‌علت سرما و تغذیه ناکافی و بیماری جان خود را از دست می‌دهند.(۳)

به نظرصدیق سروستانی و نصر اصفهانی، مهاجرت و عدم تطابق با محیط جدید یکی دیگر از علل کارتن‌خوابی در شهر تهران است و اگرچه برخی از کارتن‌خواب‌های تهران متولد همین شهرند، اما تعداد قابل توجهی از بی‌خانمانان را مهاجرانی تشکیل می‌دهند که از روستا و شهرهای مختلف به تهران آمده‌اند.(۱۱) نگارنده نیز در مشاهدات و مطالعات میدانی دریافت، بخشی از کارتن‌خواب‌ها را کارگران مهاجر و فصلی تشکیل می‌دهند. آنان معمولا در کنار کارتن‌خواب‌های معتاد زندگی کرده و یا شب را به صبح می‌رسانند. از این‌رو، این افراد علاوه بر مشکلاتی که داشته و دارند، در معرض آلودگی به مواد، دیگر آسیب‌ها و انحرافات هم قرار داشته و می‌توانند برای جامعه و دیگران نیز آسیب‌زا شوند.

کارتن‌خوابی از مشکلات کلان‌شهرهای ما و به‌ویژه تهران است. با افزایش تعداد کارتن‌خواب‌ها، در سطح شهر تهران، مسولان و سازمان‌های شهری و دولتی شروع به مداخله کردند. این مداخلات اگر چه در ابتدا با هدف جمع‌آوری این افراد از سطح شهر، دور کردنشان از جامعه و تهیه سرپناه شبانه برای آنان بود، اما موضوع ساماندهی این افراد هم در دستور کار قرار گرفت. به‌دنبال ساماندهی، اندیشه حمایت اجتماعی، خدمات رسانی و کاهش آسیب، و توانمندسازی افراد کارتن‌خواب نیز شکل گرفت و اقداماتی در این زمینه‌ها به‌عمل آمد. اوج اقدامات توانمندسازی، طرح بهاران و ایجاد مراکز توانمندسازی برای افراد کارتن‌خواب به‌ویژه کارتن‌خواب‌های معتاد بود که در سال ۱۳۹۴ شروع شد و پس از یک دوره گسترش، در سال ۱۳۹۶، دچار رکود و محدودیت گردید. به‌نظر کارشناسان گرچه طرح جمع‌آوری موفق بود اما در توانمندسازی به‌رغم صرف هزینه‌های قابل توجه، موفقیت چندانی حاصل نشد. چنانکه ریس کمیته فرهنگی شورای شهر تهران می‌گوید هرگونه سیاستگذاری در بخش آسیب‌های اجتماعی نیازمند گزارش دقیقی نسبت به اثربخشی اجرای برنامه‌ها می‌باشد. به‌عنوان نمونه ارزشیابی روشنی از مراکز بهاران وجود ندارد و با وجود اینکه بودجه سنگینی برای این مراکز در سال‌های اخیر پیش‌بینی شده است، اما اثربخشی آن‌ها مشخص نیست. برابر آخرین گزارش، نیمی از افراد جمع‌آوری شده در مراکز بهاران به‌دلیل اینکه درهای این مراکز باز است بلافاصله آنجا را ترک کرده و از سه هزار نفر باقیمانده گزارشی وجود ندارد که نشان دهد حتی صد نفر از آنان به دامان خانواده بازگشته‌اند.(۲۱) علیوردی‌نیا می‌نویسد: با وجود اینکه شهرداری تهران هزینه‌های هنگفتی را صرف کارتن‌خواب‌ها می‌کند به‌علت پرهزینه و مخاطره‌آمیز بودن درمان کارتن‌خواب‌ها، سازمان‌ها و دستگاه‌های دولتی ابزار و امکانات لازم را برای این موضوع ندارند و ساماندهی آن‌ها به کندی صورت می‌گیرد.(٤) مساله این است که با افراد کارتن‌خواب چه‌کار باید کرد؟ آیا فقط جمع‌آوری این افراد و دور کردن آنان از انظار عمومی کافی است؟ یا فراهم کردن امکانات و خدمات لازم و اندیشیدن در باره راهکارهایی که بتوان با آن‌ها، کارتن‌خواب‌ها را

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-01-30]

به عنوان قشری آسیب‌دیده و یا آسیب‌پذیر، به زندگی عـادی برگرداند، ضرورت دارد. حال که نگرش توانمندسـازی به این افراد شـکل گرفته اسـت، این سـوالات پیش می‌آید که توانمندسازی آنان چگونه باید باشد، رویکرد یـا رویکردهـای مداخلاتی مناسـب در این خصـوص کدامند؟ چرا روش‌های گذشـته موفقیت چندانی در توانمندسـازی این افراد نداشته و به توانمندسـازی پایدار منجر نشده است؟ کنشـگران توانمندسازی در این حوزه چه کسـانی هسـتند؟ مـددکاری اجتماعی به‌عنـوان حرفـه‌ای کـه بـه لحـاظ نظری و عملی نقش اساسـی در برخورد با آسیب‌های اجتماعـی و توانمندسـازی دارد، در ایـن خصوص چه الگویی ارایه می‌دهد؟

ارایـه الگـوی توانمندسـازی بـا رویکرد مـددکاری اجتماعی بـرای کارتن‌خواب‌ها، هـدف اصلـی این پژوهـش بوده اسـت. با طراحی و اجـرای برنامه‌هایی که از پشـتوانه علمی و پژوهشی برخودار باشند، هم می‌توان در هزینه‌هـا صرفه‌جویـی کرد و هـم میزان موفقیت برنامه‌ها را افزایش داد.

ایـن پژوهـش بـه روش کیفـی و تحلیـل موضوعی است. در اشاره به مبانی نظری باید گفت پژوهش کیفی فاقد چارچوب نظری از پیش تعیین شده اسـت. با این وجود، در این پژوهش از چند نظریه و رویکرد ذیل به‌عنوان ملاحظات نظری در جهت ایجاد حساسـیت نظری و مفهومی و کمک به تدوین چارچوب مفهومی اسـتفاده گردیـد. همچنین از آن‌ها به‌عنوان عناصر مکمل یا الهام بخش در فرایند تحلیل و تفسیر داده‌ها بهره گرفته شد.(٤)

دیدگاه کنش متقابل نمادین، فرد را در مرکز تحلیل قـرار داده و به شـیوه‌ای نگاه می‌کند که افـراد، خـود، دنیا، و واقعیت خودشـان رابرسـاخته کـرده، سـاخت‌زدایی نموده، و دوباره برسـاخته می‌کننـد.(٥) نظریه تعاملی در روانشناسـی محیطی کل‌نگر اسـت. کل شامل شخص، محیط بوده و رویدادی است که همیشـه در حال تغییر می‌باشـد.(٦) رویکـرد قابلیت‌ها، متمرکز بر دسـتیابی به آزادی‌ها به‌طورکلی و قابلیت‌ها برای عملکرد به‌طور خاص می‌باشـد.(٧) نظریه ساختاربندی گیدنز سـطوح خرد و کلان را با هم تلفیق کرده و مبنای مناسـبی برای توانمندسـازی ایجـاد می‌نماید.(٦)

در رویکـرد بانک جهانی، توانمندسـازی فرایند افزایـش دارایی‌ها و ظرفیت‌هـای افراد یا گروه‌هـا، همراه با گزینه‌های آگاهانه اسـت.(٨) دنیس سـالی بی، معتقد است دیدگاه توانایی‌ها اقتضا می‌کند که به شیوه متفاوتی به افراد، خانواده‌ها، گروه‌ها و جوامع نگریسـته شود. تمام آن‌ها باید در پرتو ظرفیت‌ها، اسـتعدادها و امکاناتشـان دیده شـوند.(٩) در رویکرد لی، توانمندسـازی یک نظریه زیسـتی روانی اجتماعی است و مددکاری گروهی و مددکاری جامعه‌ای، محور فعالیت توانمندسـازی هستند.(١٠)

در بررسـی پیشـینه داخلی و خارجی پژوهـش در می‌یابیم که صدیق سروسـتانی و نصر اصفهانـی۲۰۱۱ با روش نظریه زمینه‌ای، سـه عامل اعتیاد، طرد اجتماعی و مهاجرت را در شکل‌گیری مسیر بی‌خانمانی در شـهر تهران مشخص کرده‌اند.(١١) پژوهش آنان با ورود به دنیای زیسته افراد کارتن‌خواب به‌جسـتجوی علل و ریشه‌های کارتن‌خوابی پرداخته است. علیوردی‌نیا۲۰۱۱ علاوه بر توصیف وضعیت بی‌خانمانی در میان کارتن‌خواب‌های سـاکن در گرمخانه‌های تهران و تبیین جامعه‌شناختی آن، به بررسـی تجربیـات جهانی و راه کارها در رابطـه با کارتن‌خوابی پرداخته است.(٣) کلانتری و همکاران۲۰۱۳ به سیاستگذاری در حوزه بی‌خانمانی پرداخته و سه جهت‌گیری سیاستی کلی، یعنی خدمات انسانی، قهری و ترکیبی را در برخورد با کارتن‌خواب‌های تهران مشخص کرده‌اند. (١) دغاقلـه و کلهر۲۰۱۱ ترکیب فقـر و اعتیاد به مواد مخدر را از دلایل اصلی بی‌خانمانی دانسـته و دریافته‌اند که اغلب بی‌خانمانان از کمبود آموزش و یا مهارت‌های شغلی و یا فقدان انگیزه برای کار رنج می‌برند. (١٢) پروین و بابایـی۲۰۱۳در پژوهش خود، کارگران فصلی و کارگران شهری مهاجر را که در خیابان و یا گرمخانه می‌خوابند، کارتن‌خواب در نظر گرفته و به نوع‌شناسی و شرح ویژگی‌های این افراد پرداخته‌اند.(١٣) تانه که نو۲۰۱۳ معتقد است اشتغال به تنهایی نمی‌تواند در توانمندسازی افراد بی‌خانمان کارامد باشد.(١٤) مورگان۲۰۱۱ بررسی می‌کند که چگونه رویدادهای منفی زندگی و روابـط، این افراد را وارد چرخه بی‌خانمانی و سـوء مصرف مواد کـرده و آنان را گرفتار می‌سـازد.(١٥) گربوث و همکاران۱۹۹۵می‌گوینـد واقعیت این اسـت که بی‌خانمانـان کمتر از خدمات اجتماعی بهره‌مند می‌شوند.(٣) لنون و همکاران۲۰۰۵ دریافتند مردان بیمار روانی بی‌خانمان که از خدمات برنامه مداخله در موقع بحرانی استفاده کرده‌اند در اجتناب از بازگشت بی‌خانمانی موفق بوده‌اند.(١٦) کاتون و همـکاران۲۰۰۰ برای مقابله با مشـکلات مـردان بی‌خانمان، آمـوزش، کارآموزی و برنامه‌ها یـا خدمات پایدار و مداوم را پیشـنهاد

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-01-30]

کردند.(۱۶) شـی یر۲۰۱۱ در پژوهش کیفی خود نتیجه می‌گیرد که باید در شخص بی‌خانمان احساس امید به تغییر وضعیتش زنده شود، امیدی که به خروج او از بی‌خانمانی کمک می‌کند.(۱۷)

در نقد این پژوهش‌ها به اجمال می‌توان گفت: هریک از پژوهش‌های داخلی برای اولین بار جنبه‌های خاصـی از پدیده کارتن‌خوابی را مورد توجه قرار داده و سعی کرده‌اند این پدیده را به‌عنوان یک مساله اجتماعی مورد توجه مسـولان و جامعه عمومی قـرار دهند. پژوهش‌های خارجی از تنوع بیشـتری برخوردار بـوده و زوایا و جنبه‌هـای گوناگونی از این پدیده را بررسـی کرده‌اند. یافته‌ها و تحلیل‌های این پژوهش‌ها به ادبیات داخلی توانمندسـازی و کارتن‌خوابی افزوده و می‌تواند آگاهی و دانش دستاندرکاران را ارتقا داده و منجر به استفاده از تجربیات موفق و درس‌گیری از تجربیات ناموفق آن‌ها برای مسـولان داخلی و جامعه مدنی ما گردد. ایـن پژوهـش تلاش کرده شـکافی که بیـن دیدگاه‌های سـازمان‌ها و مسـولان مجری به‌عنوان خدمات دهنده و سامان دهنده، و نگرش افراد کارتن‌خواب به‌عنوان خدمت گیرنده در کشور ما وجود داشته پر کرده و بـه درک و فهم متقابل این دو دسـته به مثابه عاملان توانمندسـازی کمک نماید. چنین درک و فهمی می‌تواند منجر به طراحی برنامه‌هایی گردد که فقط از دیدگاه مسـولان و مجریان نباشـد و نظرات و نیازهای دسته دوم نیز لحاظ گردد.

در جهت سـاماندهی و توانمندسـازی افراد کارتن‌خـواب، اقدامات مختلفی در جهان و همچنین در سـال‌های اخیر در کشـور ما صورت گرفته است. مرور برخی از آن‌ها و پژوهش‌های مربوطه، شناخت بیشتری از فرایند توانمندسـازی و همچنین موانع موجود بر سر راه توانمندسازی این افراد ارایه می‌دهد.

در آمریکا در پاسخ به افزایش شـمار افراد کارتن‌خواب، قانون ۱۹۸٤ مک کینی و سپس قانون مک کینی-ونتو تصویب شد. این قانون نقش اساسـی در کمک کردن به سـازمان‌هایی که تلاش می‌کردند نیازهای اضطراری افراد بی‌خانمان را برآورده سازند داشت. سال ۲۰۱۰ طرح دولت مرکزی تحت عنوان درهای باز، طرح جامع ملی برای پیشـگیری و پایان دادن به بی‌خانمانی شروع شد.(۱۸) در مقایسه سیاست‌های دولت آمریکا با سیاست دولت دانمارک در زمینه مراقبت از افراد کارتن‌خواب، تفاوت زیادی در وسـعت و کیفیت مراقبت وجـود دارد. بی‌خانمانی اولویت اصلی حکومت دانمارک اسـت، در حالی که بی‌خانمانی در آمریکا، حداقل در صحنه سیاسی، مساله حاشیه‌ای است.(۱۹) آندرسون ۲۰۱۰ به بررسی سیاسـت‌های اجتماعی اتحادیه اروپا درباره بی‌خانمانی پرداخته و می‌گویـد: کشـورهای اروپایی در بی‌خانمانی بر تهیه مسـکن ثابت، شـناخت نیازهای حمایتی وسـیعتری که همراه با بی‌خانمانی است، و حمایـت از افراد بی‌خانمـان در برون‌رفت از بی‌خانمانـی تمرکز دارد. (۲۰) جنکس ۱۹۸٤ افزایش کمک‌های رفاهی یا یارانه‌های مسکن برای خانواده، تهیه بازار کار روزانه برای بزرگسالان کارگـر، و خدمـات اجتماعـی و مداخلـه بـرای بیماران روانی را توصیـه می‌کند.(۱٦) در کشـور ما، به‌طور مشخص در برنامه سوم توسـعه جمهوری اسلامی ایران بر آسیب‌های اجتماعی و آسـیب دیدگان، از جمله معتادان به مـواد مخدر و بی‌خانمانان توجه می‌شـود و در برنامـه چهـارم توسـعه به‌طور وسـیعی بر آسـیب‌های اجتماعـی و مصداق‌های آن تمرکز می‌گردد. در تاریخ ۱۳۷۸/۲/۲۵، آیین نامه‌ای از سوی شورای عالی اداری کشور در خصوص برخورد با آسـیب‌های اجتماعی از جملـه تکدی و بی‌خانمانـی تصویب گردید که بر اسـاس آن، سـازمان‌ها و دستگاه‌های مختلـف موظـف شـدند برنامه‌ریزی‌هـا و سیاسـتگذاری‌های لازم را برای مقابله با این معضلات اجتماعی انجام داده و هماهنگی‌ها و نظـارت سـتادی را نیـز برای سـاماندهی بی‌خانمانان به‌عمل آورند.

همچنیـن در تاریـخ ۱۳۸۹/۵/۹، قانـون اصـلاح قانون مبارزه با مـواد مخدر مصوب ۱۳۷٦ توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب و در تاریخ ۱۳۸۹/۹/۲۳ جهت اجرا ابلاغ گردید. این آیین نامه و این قانون ملاک اقدامات و جهت‌گیری‌های بعدی سـازمان‌ها و دسـتگاهای دولتی را در خصوص برخورد با کارتن‌خواب‌های معتاد مشخص می‌سازد. در سـال ۱۳۸۵، دو مددسـرای-گرم خانه-خاوران و بهمن راه‌اندازی گردید. سال ۱۳۹۰، راه اندازی مددسـراها در سطح مناطق بیست و دوگانه شـهر تهران در دسـتور کار سازمان رفاه، خدمات و مشارکت اجتماعی شهرداری قرار می‌گیرد. در اواسط سال ۱۳۹٤، به دنبال فراوانی کارتن‌خواب‌هـای معتاد در محلات خاصـی از تهـران و در حاشـیه بزرگراه‌ها و استعمال مواد مخدر در ملاعام، شورای شهر تهران و شـهرداری تهران وارد میدان شـده و طرح بهاران را اجرا کردند.

در سند بهاران می‌خوانیم: اکنون مقرر شده

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-01-30]

است در کنار اقدامات مقابله‌ای و درمانی، از طریق ایجاد و فعال کردن مراکزی تحت عنوان بهاران به موضوع توانمندسازی و در نهایت بازگشت معتادین و آسیب‌دیدگان اجتماعی به چرخه زندگی سالم، گام‌هایی ابتدایی خود و سایر دستگاه‌ها را در راستای جمع‌آوری، غربالگری و درمان معتادین و آسیب‌دیدگان اجتماعی تکمیل نماید.

چارچوب مفهومی توانمندسازی در این پژوهش با تاکید بر مددکاری اجتماعی، بیشتر متاثر از رویکرد توانمندسازی لی۱۹۹٤ و رویکرد توانایی محور است. رویکرد توانمندسازی لی کمک می‌کند، نسبت به مسایل و مشکلات افراد کارتن‌خواب و مسایل اجتماعی و محیطی پدیده کارتن‌خوابی کل‌نگر بوده و آن‌ها را در ارتباط با یکدیگر ببینیم.(۱۰) همچنین رویکرد توانایی محور کمک می‌کند به‌جای تمرکز بر ضعف‌ها و مشکلات افراد کارتن‌خواب، بر توانایی‌ها، منابع و داشته‌های آنان متمرکز شویم.(۹) از آنجایی که هدف پژوهش ارایه الگوی توانمندسازی بود براساس هدف و مساله مطرح شده، یک پرسش کلی طرح گردید که به پنج پرسش اختصاصی تقسیم شد.

پرسش کلی: الگوی توانمندسازی با رویکرد مددکاری اجتماعی برای افراد کارتن‌خواب چه می‌تواند باشد؟

پرسش‌های اختصاصی: ۱.چه رویکرد یا رویکردهای مداخله‌ای برای افراد کارتن‌خواب در جامعه ما مناسب است؟ ۲.چه ارزیابی از برنامه‌ها و مداخلات قبلی که در این باره اجرا شده و یا در دست اجراست، وجود دارد؟ آن‌ها با چه مشکلات و موانعی روبرو بوده‌اند؟ ۳.چرا افراد کارتن‌خواب نمی‌توانند از کارتن‌خوابی خارج شوند؟ یا چرا کارتن‌خوابی افراد تداوم می‌یابد؟ ٤.کنشگران اصلی توانمندسازی افراد کارتن‌خواب کدامند، نقش یا نقش‌های آنان در این فرایند چیست، ارتباط آن‌ها با یکدیگر چگونه باید باشد؟ ۵.با توجه به شرایط و امکانات جامعه ما، الگوی توانمندسازی مناسب برای افراد کارتن‌خواب چیست و چه ویژگی‌هایی دارد؟

این مقاله در باره توانمندسازی افراد مذکر کارتن‌خواب در شهر تهران و ارایه الگویی با رویکرد مددکاری اجتماعی برای توانمندسازی آنان است.

روش

این پژوهش به روش کیفی و تحلیل موضوعی اجرا شده است. مشارکت‌کنندگان در این پژوهش یازده نفر از کارشناسان و خبرگان حوزه آسیب شناسی اجتماعی و کارتن‌خوابی بودند که به روش هدفمند انتخاب شدند. سن مشارکت‌کنندگان بین سی و پنج تا پنجاه و پنج سال بود. به‌منظور رعایت اصول اخلاقی پژوهش، مصاحبه حضوری با رضایت و موافقت خبرگان و کارشناسان صورت گرفت. برای ضبط شنیداری مصاحبه نیز از آنان اجازه گرفته شد. در هر حال کسب رضایت به شیوه شفاهی انجام شد.

ملاک‌های ورود و خروج

ملاک‌های ورود: رضایت و علاقه‌مندی کارشناسان برای انجام مصاحبه، داشتن صلاحیت علمی و یا تجربی و یا مدیریتی در حوزه آسیب‌های اجتماعی و کارتن‌خوابی. منظور از صلاحیت علمی: عضو هیات علمی بودن در رشته‌های مرتبط با آسیب‌های اجتماعی و کارتن‌خوابی و یا پژوهشگر بودن در این حوزه ها؛ صلاحیت مدیریتی: داشتن سابقه مدیریتی و اجرایی در برنامه‌ریزی، خط مشی‌سازی و نظارت در حوزه آسیب‌های اجتماعی و کارتن‌خوابی و یا سابقه کار مستقیم با این افراد در بخش‌های دولتی و غیردولتی؛ صلاحیت تجربی: برخورداری از سابقه طولانی مدت مدیریت و کار مستقیم با افراد کارتن‌خواب بوده است.

ملاک‌های خروج: نداشتن وقت کافی برای شرکت در مصاحبه حضوری. به تعویق انداختن مکرر وقت داده شده از طرف شرکت‌کننده.

روش کار: برای جمع‌آوری داده‌ها، از مصاحبه با کارشناسان استفاده شد. جمعیت مورد مصاحبه، یا حجم نمونه یازده نفر بودند که طی تابستان ۱۳۹۷، با آنان مصاحبه عمیق و نیمه‌ساختارمند به‌عمل آمد. با ادامه نمونه‌گیری، اشباع یا کفایت نظری داده‌ها حاصل شد. مصاحبه‌ها نیمه‌ساختارمند، عمیق و چهره به چهره بود. ابتدا به صورت نمونه‌گیری هدفمند، اشخاص کارشناس و خبره شناسایی شدند. سپس با تماس تلفنی یا حضوری از آنان وقت مصاحبه گرفته شد

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-01-30]

جدول(۱) فهرست خبرگان و کارشناسان مشارکت‌کننده در مصاحبه

مشارکت‌کننده/// جنسیت/// تحصیلات/// عنوان شغلی/// ویژگی‌های صلاحیت
P۱/// زن/// ارشد آسیب‌شناسی اجتماعی/// مدیر مرکز خدمات اجتماعی/// سابقه مدیریتی و اجرایی درحوزه آسیب‌های اجتماعی شهری
P۲/// مرد/// ارشد مددکاری اجتماعی/// ریس انجمن مددکاری اجتماعی ایران/// هیات علمی و سابقه مدیریتی و اجرایی در حوزه آسیب‌های اجتماعی
P۳/// مرد/// ارشد مددکاری اجتماعی/// کارشناس آسیب‌های اجتماعی شهرداری تهران/// سابقه مدیریتی، اجرایی، برنامه‌ریزی و نظارت در حوزه آسیب‌های اجتماعی و کارتن خوابی
P۴/// مرد/// دکترای روانشناسی/// مدیر مرکز توانمندسازی منطقه۱۴شهرداری/// هیات علمی و سابقه مدیریتی و کار مستقیم با افراد کارتن خواب
P۵/// مرد/// دکترای جامعه‌شناسی/// عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی/// پژوهشگر و عضو هیات علمی در حوزه آسیب‌های اجتماعی
P۶/// مرد/// دکترای مددکاری اجتماعی/// عضو هیات علمی دانشگاه علوم بهزیستی/// پژوهشگر، عضو هیات علمی و سابقه مدیریتی و اجرایی در حوزه آسیب‌های اجتماعی
P۷/// مرد/// دانشجوی دکترای مددکاری اجتماعی/// قائم مقام جمعیت تولد دوباره/// سابقه مدیریتی و اجرایی در حوزه آسیب‌های اجتماعی
P۸/// مرد/// ارشد روانشناسی بالینی/// مدیر پایگاه‌های خدمات اجتماعی شهرداری/// سابقه مدیریتی، اجرایی، برنامه‌ریزی و نظارت در حوزه آسیب‌های اجتماعی و کارتن‌خوابی
P۹/// مرد/// کارشناسی آسیب‌شناسی اجتماعی/// مدیر مرکز توانمندسازی طلوع بی‌نشان/// سابقه مدیریت و اجرایی و کار مستقیم با افراد کارتن خواب
P۱۰/// مرد/// کارشناسی آسیب‌شناسی اجتماعی/// مدیر عامل جمعیت خیریه امیدی دیگر/// پژوهشگر و سابقه مدیریتی و اجرایی در حوزه آسیب‌های اجتماعی
P۱۱/// زن/// دکترای مددکاری اجتماعی/// عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی/// پژوهشگر و عضو هیات علمی در حوزه آسیب‌های اجتماعی

و سوالات برای آنان فرستاده شد. آنگاه در ساعت مقرر به دفتر کار آنان مراجعه و مصاحبه صورت گرفت. مصاحبه‌ها با استفاده از راهنمای مصاحبه و در مواردی همراه با تشریح و توضیح دو جانبه همراه بود. محتوای مصاحبه‌ها و داده‌ها همزمان با ضبط شنیداری و یادداشت برداری همراه بود. مصاحبه‌ها به‌طور میانگین نود دقیقه طول کشید، و در بازه زمانی تیر، مرداد، و شهریور ماه ۱۳۹۷ برگزار شد.

تحلیل داده‌ها به روش استراوس و کوربین؛ کدگذاری داده‌ها، کدگذاری باز سطح اول و دوم، مقوله بندی و تفسیر؛ به شیوه ولکات صورت گرفت. ولکات فرایند تحلیل داده‌ها را دارای سه مرحله عمومی توصیف، تحلیل و تفسیر می‌داند. در مرحله توصیف، داده‌ها در یک نظم و پیوستار زمانی قرار گرفتند و در مرحله تحلیل، داده‌ها سازماندهی، تنظیم و مقوله‌بندی شدند؛ در مرحله تفسیر نیز تفسیرهای اصلی عمدتا با رویکرد مقایسه‌ای انجام شد.(٤) به هر روی، پس از پالایش تحلیل، شصت و یک مفهوم یا مضمون فرعی استخراج گردید که در قالب نه مقوله یا مضمون اصلی جای گرفتند.

ارزیابی و اعتبار سنجی داده‌ها بر اساس معیارهای پیشنهادی لینکلن و گوبا: اعتبار پذیری، انتقال پذیری، قابلیت اطمینان، و تایید پذیری انجام شد(٤) و یافته‌ها و تحلیل‌های به‌دست آمده با استفاده از روش اعتبار پاسخگو و روش کنترل توسط شرکت‌کنندگان در مصاحبه مورد تایید قرار گرفت. همچنین یافته‌های استنتاج شده با افراد مصاحبه شده هم با خود شخص مصاحبه شونده و دهنده اطلاعات خاص و هم با دیگر افراد مصاحبه شونده در میان گذاشته شد و مورد تایید آنان قرار گرفت، یعنی از روش چند جانبه و زاویه بندی برای ارزیابی و تایید داده‌ها و تحلیل‌ها بهره گرفته شد.

یافته ها

مقوله‌ها یا مضامین عمده استخراج شده از مصاحبه با خبرگان و کارشناسان عبارتند از: **مداخلات توانمندسازگرایانه-** کارشناسان معتقدند که برای توانمندسازی، ابتدا باید رویکرد مناسبی داشته باشیم. مصاحبه شونده دوم می گوید ما رویکرد سلبی، تنبیهی داشتیم، رویکرد جرم انگاری داشتیم، اما نتیجه نداد و شکست خورد. به دنبال آن، شورای عالی اداری کشور در سال ۱۳۷۸، قانونی درباره افراد بی‌خانمان و متکدی تصویب کرد. این مصوبه، رویکرد خدمات‌رسانی، کاهش آسیب و حمایت اجتماعی دارد. مصاحبه شونده اول: داوطلبانه بودن صرف یا تک رویکردی نمی‌توان برخورد کرد، چون جواب مطلوبی نمی‌دهد. جمع‌آوری و اجباری بودن هم اگرچه در مواقعی لازم بوده، اما روش مطلوبی نیست. چند رویکردی لازم است. به‌نظر من رویکرد تلفیقی در جامعه و شرایط اجتماعی ما بهتر جواب می‌دهد. برخی از افراد کارتن‌خواب نمی‌خواهند از این وضعیت خارج شوند. به لحاظ روانی به کوچه و خیابان وابسته‌اند. خوب درباره این‌ها چه‌کار باید کرد؟

فرایند توانمندسازی افراد کارتن‌خواب- توانمندسازی یک فرایند است و دارای مراحلی در طی زمان می‌باشد.

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-01-30]

مصاحبه شونده دوم: اول اینکه ما باید در شناسایی و جذب فعال باشیم. خدمات اولیه‌ای در این مرحله داشته باشیم. آنگاه به‌طور کامل و دقیق غربالگری کنیم و افراد را دسته‌بندی کرده و به طرح‌ها و برنامه‌های خاصی که تعیین شده ارجاع دهیم.

مصاحبه شونده هشتم: برای ما ایجاد انگیزه برای ترک مواد کسانی که وارد مجموعه ما، یعنی مراکز توانمندسازی بهاران می‌شوند، مهم است. تقریبا یک سال برای برگشت کامل فرد به جامعه و خانواده در نظر گرفته می‌شود. مراحل دیگر شامل دوره ترک یا پرهیز مداری یک ماهه تا سه ماهه، یک دوره زمانی شش ماهه پاکی و تثبیت دوره پاکی، حرفه آموزی یا باز آموزی شغلی، توانمندسازی شغلی، اشتغال حمایت شده در مراکز توانمندسازی، اشتغال آزاد در جامعه است. در این روند کسانی که جا و مکانی برای اسکان ندارند، جایی برایشان تهیه می‌شود.

ابعاد توانمندسازی- مصاحبه شونده سوم: برخی مدیران فکر می‌کنند اگر به این افراد شغل بدهیم، اعتیادشان را کنار می‌گذارند یا سر و سامان می‌گیرند. اما این نگاه ساده‌انگارانه است. این‌ها مشکلات شخصیتی و روانی متعددی دارند. شاید لازم باشد یک تا یک و نیم سال روی شخصیت و روان آنان کارکرد. مصاحبه شونده یازدهم: عنصر آگاه‌سازی و بالابردن بینش اجتماعی و شناختی این افراد مهم است. دو موضوع، عزت نفس و امیدشان مهم است. باید زمینه‌هایی ایجاد کنیم تا این اتفاق بیفتد. نظریه اشتایدر در این خصوص کمک کننده است. مصاحبه شونده نهم: اول باید کارتن‌خواب را به‌عنوان فرد آسیب‌دیده از جامعه بپذیریم و بخواهیم به او کمک کنیم. او را یک انسان ببینیم و تا آنجایی که امکان دارد او را درک کرده و به نیازهای انسانی‌اش پاسخ دهیم.

تقابل رویکردی- در مطالعه پدیده کارتن‌خوابی و توانمندسازی، نوعی تقابل رویکردی و دیدگاهی را، چه در حوزه نظری و چه عملی مشاهده می‌شود. مصاحبه شونده ده‌ام: در بحث آسیب‌های اجتماعی از جمله کارتن‌خوابی و بی‌سرپناهی باید جامعه محور بود و محله‌ای عمل کرد. در رویکرد محله محوری کارشناس و متخصص هم باشد و تشکل‌های مردمی محله‌ای کارها را به‌عهده بگیرند. ترکیب معتمد محل-کارشناس بسیار کارآمد است. مصاحبه شونده هفتم: باید رویکرد اجتماعی به این پدیده داشت. اگرچه در سال‌های اخیر به سمت این رویکرد و این نگاه حرکت کرده ایم، اما در مقاطعی از فرآیند توانمندسازی، به‌ویژه در بحث اعتیاد و کاهش آسیب، رویکرد پزشکی‌نگر است، حتی برخی روانپزشکان کارتن‌خوابی را اورژانس اعتیاد می‌دانند، واژگانی کاملا پزشکی.

توانمندسازی مشارکتی- مصاحبه شونده اول: بهترین شکل کار در این حوزه این است که سازمان‌ها و گروه‌های مردمی غیردولتی مجری باشند. آنان وقتی وارد می‌شوند، می‌فهمند کجا خلا وجود دارد، کجا نقص قانون است آن‌ها به مطالبه‌گری می‌پردازند. اما اگر دست سازمان‌های دولتی باشد بخشنامه‌ای و دستوری می‌شود که خیلی کم نتیجه می‌دهد. مصاحبه شونده ششم: ما باید در توانمندسازی افراد، خانواده را هم درگیر کنیم. خانواده هنوز هم خط مقدم درگیر با مشکل اعتیاد عضو خود، فرار نوجوانش و کارتن‌خوابی اوست. می‌دانیم که برخی از این خانواده‌ها خسته شده و دست از عضو خود شسته‌اند. خانواده می‌تواند بر عضو خود نظارت کند، از رفتارهای پرخطر باز دارد و نیازهای عاطفی او را برآورده سازد. اما به تنهایی نمی‌تواند. ما باید در کنار خانواده باشیم، و در واقع خانواده را برای توانمندسازی عضو خود توانمند کنیم. مصاحبه شونده یازده‌ام: در توانمندسازی، سازمان‌ها و دیگران بسترهای مناسب را فراهم می‌کنند، اما شخص متقاضی توانمندسازی را خودش باید انتخاب کند و تصمیم بگیرد، خودش فعال باشد. اما متاسفانه آنچه در حال حاضر تحت عنوان توانمندسازی در سازمان‌ها صورت می‌گیرد فاقد جوهره توانمندسازی است.

تفاوت الگویی- کارتن‌خواب‌ها و بی‌سرپناهان تنوع و کثرت زیادی دارند و از شرایط اجتماعی متفاوتی برخوردارند. از این رو، به‌نظر می‌رسد نمی‌توان الگوی یکسان با مولفه‌های مشابهی برای تمامی آنان به‌کار برد.

مصاحبه شونده پنجم: افراد کارتن‌خواب شرایط متفاوتی دارند و توانمندسازی متفاوتی هم می‌طلبند. شخصی که معلول است و کار ندارد، شاید برخی کارها مثل قالی‌بافی را بتواند یاد بگیرد و انجام دهد. کارتن‌خواب معتادی که ایدز هم دارد، برنامه‌ریزی متفاوتی می‌خواهد. مصاحبه شونده چهارم: به‌نظر من، کسی که مصرف کننده مواد است، اما درآمد دارد، شاغل است و خانواده‌اش را تامین می‌کند؛ دچار بیماری اعتیاد نیست. این بیماری زمانی شروع می‌شود که به‌علت بالا

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-01-30]

رفتن مصرف، قیافه‌اش را از دســت داده، سر کار نمی‌رود، زندگی خود و خانواده‌اش را نمی‌تواند تامین کند.

بســتر اجتماعی توانمندســازی-مصاحبه شونده هفتم: ما در طرح توانمندســازی باید عوامل اقتصادی و شــرایط موجــود جامعه را هــم در نظر بگیریم. چون بســیاری از عوامل مثل گرانی، بیکاری، بالا رفتن قیمت خانه و اجاره مســکن را مــا نمی‌توانیم کنترل کنیم. الگوی توانمندســازی باید چندویژگی داشته باشــد. ۱-مبتنی بر واقع‌بینی باشد و سطح انتظارمان از آن مشــخص باشد. ۲-متمرکز بر نیازها، توانایی‌ها و نقــاط قوت افراد توانمند شــونده باشــد. مصاحبه شــونده دوم: ما با عواملی ســر کار داریم که کارتن‌خوابی را گســترش می‌دهند. یکی از آن‌ها اقتصاد اســت. ما کنترلی بر این عوامل نداریم و نمی‌توانیم آن‌ها را حذف کنیم. برخی افراد هم به‌علت فقر و یا خشکسالی مهاجرت کرده و می‌آیند کارتن‌خواب می‌شوند، حل این مسایل نیاز به برنامه‌های کلان اقتصادی اجتماعی دارد.

فرهنگ توانمندسازی-مصاحبه شونده هشتم: بخشی از کار ما با رویکرد آموزش و حمایتی می‌تواند این باشد که به شهروندان آموزش دهیم چگونه با افراد کارتن‌خواب برخورد و رفتار کنند، و به کارتن‌خواب آمــوزش دهیم چگونه با کارتن‌خوابی خود برخورد کند. آموزش موثر و مداومت در آن می‌توانــد فرهنگ برخورد با کارتن‌خوابی را تغییر دهد. همچنین ما فرهنگ استفاده از خدمات در محلات و مشارکت محله‌ای را نداریم یا در این زمینه ضعیف هستیم. باید فرهنگ‌سازی کنیم اینقدر بگوییــم، آموزش دهیم و خودمان انجــام دهیم تا به‌صورت فرهنگ در آید.مصاحبه شــونده هفتم: انگ اجتماعی اعتیاد و کارتن‌خوابی باعث می‌شــود اینها در کارتن‌خوابی گیرکنند و نتواند خارج شوند. نگاه مردم و جامعــه به اعتیاد و کارتن‌خوابی باید تغییر کند. اگر آنان را خلافکار، دزد، مفت‌خور، انگل جامعه و... ببینیم، تغییری حاصل نمی‌شود. تغییر نگرش در ســطح کلان، کار پیچیده‌ای هم هســت. ایــن تغییر نگرش می‌توانــد منجر به تغییر در قوانین و تغییر رویه‌ها هم گردد. می‌توانیم آن را فرهنگ‌سازی بدانیم.

موانع توانمندســازی- مصاحبه شونده سوم: تفکر اغلب مدیران ما خودنگر و ســازمان خودنگر است. یعنی اینکه من مدیر خوب جلوه کنم یا ســازمانم خوش نام باشد. اعتقادی به کار تیمی نداشته و روحیه کار تیمی هم ندارند. همچنین اغلب مدیران اجرایی نگاه توانمندسازی ندارنــد و اغلب تضاد رویکرد بین مدیــران و متخصصان وجود دارد و هرجا که نگاهشــان همسو نباشــد کار به‌جایی نمی‌رسد. از سوی دیگر بین ســازمان‌ها هماهنگی وجود ندارد. مصاحبه شونده اول: جمع‌آوری هم لازم اســت. مــا در جمع‌آوری موفــق بودیم، امــا در مرحله بعد از جمع‌آوری و ساماندهی موفق نبودیم. بعد از جمع آوری، خدمات بعدی ارایه نمی‌شود، در نتیجه کارتن‌خواب دوباره به خیابان برمی‌گردد. به زور هم نمی‌توانیم آنان را نگه داریم. طرح بهاران برای پرکردن خلاهای طرح‌های قبلی و اساسا

نمودار(۱) شبکه مضامین

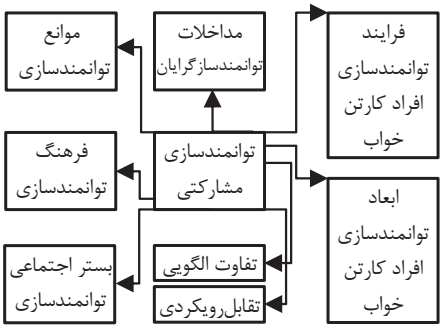

جدول(۲) مضمون‌ها
ردیف/// مضمون اصلی/// مفاهیم یا مضمون‌های فرعی
۱/// مداخلات توانمندسازگرایانه/// جمع‌آوری اجباری، رویکرد تلفیقی، ساماندهی، کاهش آسیب، توانمندسازی
۲/// فرایند توانمندسازی/// جذب، غربالگری، ارجاع، اسکان‌یابی، پرهیزمداری از مواد، حرفه‌آموزی، آموزش‌های اجتماعی، جذب‌شدگی مجدد به جامعه
۳/// ابعاد توانمندسازی/// خودتصمیم‌گیری، رعایت‌شان انسانی و حقوق فردی و اجتماعی توانمندشونده، اسکان اولیه، برآورده‌سازی نیازهای اولیه، آگاه‌سازی، بازسازی شخصیتی، توانمندسازی روانی، توانمندسازی شغلی، توانمندسازی اقتصادی، توانمندسازی زندگی مستقل در جامعه
۴/// تقابل رویکردی/// اجتماعی‌نگری، پزشکی‌نگری، جامعه‌محوری، محله‌محوری، حمایت همتایی ، بومی‌نگری، داوطلبانه‌گرایی
۵/// توانمندسازی مشارکتی/// شخص کارتن‌خواب، خانواده، جامعه، سازمان‌های دولتی، سازمان‌های مردم‌نهاد ، بخش خصوصی انتفاعی، تعامل‌گرایی کنشگران
۶/// تفاوت الگویی/// تفاوت الگویی با توجه به نوع شناسی کارتن خوابی، تفاوت موقعیتی، تفاوت نگرش سازمانی، بومی‌گرایی، توانایی‌محوری
۷/// بستر اجتماعی توانمندسازی/// بستر اجتماعی مساعد، بحران اجتماعی، بحران اقتصادی، فقر فزاینده، تشدید بیکاری، واقع‌بینی اجتماعی
۸/// فرهنگ توانمندسازی/// تغییر نگرش مردم و جامعه به افراد کارتن‌خواب، تغییر نگرش افراد کارتن‌خواب به خودشان، تغییر رفتار مردم با افراد کارتن‌خواب، تغییر رفتار خیریه در برخورد با پدیده کارتن‌خوابی
۹/// موانع توانمندسازی/// بی‌اعتقادی برخی مدیران شهری به توانمندسازی، ناهماهنگی سازمان‌های مجری، خود محوری سازمانی، مدیریت غیر منسجم، بی‌ثباتی برنامه‌ها، بی‌اعتمادی کارتن‌خواب‌ها به طرح‌ها و سازمان‌ها، کمبود امکانات، نظام رفاه اجتماعی ناکارآمد، پایداری انگ اجتماعی کارتن‌خوابی

نمودار(۲) نمودارالگوی توانمندسازی افراد کارتن‌خواب با رویکرد مددکاری اجتماعی

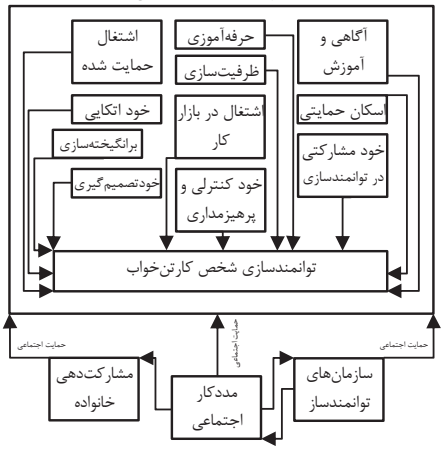

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-01-30]

در جهت توانمندســازی بود. اما این طرح هم به دلایلی موفق نشــد. مصاحبه شــونده دوم: نظام رفاه و تامین اجتماعی ما ناکارآمد است. ما باید نظام رفاهی چند لایه داشــته باشیم که نداریم، در کنار طرح‌ها و برنامه‌های ســاماندهی و توانمندســازی برای افــراد کارتن‌خواب، نیاز به نظــام رفاه اجتماعی قوی اســت. این نظام حضورش محســوس نیســت و هیچ برنامه‌ای برای پیشگیری و حمایت از این افراد ندارد.

بحث و نتیجه گیری

توانمندســازی افراد کارتن‌خواب ضرورت دارد نظام‌مند باشــد و اجزایش با یکدیگر در تعامل بوده و همســو عمل کنند. یافته‌های این پژوهش نشــان می‌دهد که توانمندســازی برای گروه جمعیتی کارتن‌خواب می‌تواند شــامل مولفه‌های اسکان اولیه، برآوردن نیازهای اولیه مانند تغذیه، نظافت، بهداشت و درمان و... بازسازی شخصیتی و توانمندسازی روانی، ارتباطی، اقتصادی، شغلی و سرانجام توانمندسازی زندگی مستقل در جامعه باشد. بدیهی است برای کارتن‌خواب‌های معتاد می‌توان دو مولفه دیگر پرهیز مداری از مواد و تثبیت دوره پاکی را هم اضافه کرد. در این صورت، بازسازی شخصیتی و توانمندسازی روانی آنان عمیقتر و زمانبرتر خواهد بود. این نتایج همســو با نظر تانه‌که‌نو اســت که می‌گوید اشتغال به تنهایی به قدر کافی نمی‌تواند در توانمندســازی افراد بی‌خانمان موثر باشــد، بلکه بیشتر باید پرداخته شــود به اینکه چگونه فرصت‌های شغلی یا حمایت‌هایی که آنان نیاز دارند فراهم گردد.(١٤) همچنین این یافته‌ها با نظر سادن تطابق دارد که توانمندسازی ابعاد مختلفی از جمله، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، روان‌شناختی، فردی و اجتماعی دارد.(٦)

این پژوهش نشــان می‌دهد که نوعی تقابل رویکردی در حوزه توانمندســازی در جامعه ما وجود دارد. رویارویی رویکرد اجتماعی با رویکرد پزشــکی‌نگر و جرم انگاری، توانمندســازی داوطلبانه و مشــارکتی با توانمندسازی دستوری و اجباری، رویکرد حمایت اجتماعی و کاهش آسیب با رویکرد جمع‌آوری و مقصرشماری، از نمونه‌های بارز این رویارویند. همچنین کارشناســان و خبرگان بر رویکــرد محله محوری، مراقبت اجتماعــی در جامعه، حمایت همتایــی، ارتقای کیفیت زندگی کارتن‌خــواب و نظایر آن‌ها تاکید دارند. به‌طور کلی، یافته‌ها نشــان می‌دهنــد مداخلات در حوزه کارتن‌خوابی به تدریج از جمع‌آوری صرف و دور کردن افراد کارتن‌خواب و معتاد خیابانی از جامعه و سطح شهر به سوی ساماندهی و توانمندسازی؛ و رویکردها از اجباری بودن، قهری و سلبی به جذبی، داوطلبانه و جرم‌زدایی گرایش داشته است. این نتایج همسو با گفته‌های کلانتری و همکارانش اســت کــه معتقدنــد بــه‌طورکلی سیاست‌ها و برنامه‌های عملی خوب، شامل ترکیبی از پیشگیری، پیشگیری زود هنگام، مداخله در بحران و راهبردهای‌حمایت طولانی مدت با هدف تسهیل استقلال افراد بی‌خانمان اســت. آن‌هــا باید خدماتی فراهم آورند که متمرکز بر کسب مهارت‌هایی توسط گروه هدف باشد که منجر به کسب شایستگی اجتماعی، ثبات اقتصادی شود و آنان را صاحب مسکن سازد و از محرومیت اجتماعی خارج کند.(٦)

همچنین این نتایج همســو با نظرات صدیق سروســتانی و نصر اصفهانی است که معتقدند اولین اقدام برای بهبود وضعیت کارتن‌خواب‌ها این است که مسولان و مدیران شهری وجود کارتن‌خوابی در شهر تهران را به‌عنوان یک واقعیت بپذیرند. اگر در سطح مدیریتی، نگاه حمایتی به جای نگاه مقابله‌ای و انتظامی شکل بگیرد، خدمات رسانی به این دسته از افراد می‌تواند تــا حدودی از رنج آنان بکاهد. از میان بردن معضل کارتن‌خوابی نیازمند اقدامات گســترده در ســطوح مختلف اجتماعی اســت، اما نباید از اقدامات کوتاه مدت برای بهبود وضعیت زندگی این دســته از طردشــدگان اجتماعی غفلت شــود.(١١) طرح ساماندهی متکدیان و افراد بی‌سرپناه و طرح توانمندسازی بهاران که به‌ویژه کارتن‌خواب‌های معتاد را در بر می‌گرفت، دو طرح اصلی توانمندســازی این افراد در گذشته بوده اســت. طرح بهاران در حال حاضر به شکل محدودی جریان دارد. مصاحبه شــونده اول می‌گوید طرح بهاران برای پرکردن خلاهای طرح‌های قبلی و اساسا در جهت توانمندسازی بود، اما این طرح هم به دلایلی موفق نشد.

کارشناســان بر فعالیت توانایی‌محور که از رویکردهای عملی در مددکاری اجتماعی در رابطه با توانمندسازی است تاکید دارنــد. این رویکــرد بر توانایی‌ها و نقاط قوت فرد و بــر مهارت‌ها، علایق و نظام حمایتی او تمرکز کــرده و بر عاملیت فرد در توانمندســازی خود تاکید دارد. این یافته همســو با نظر سالی‌بی اســت. او اعتقاد دارد باید تمام افراد در پرتو ظرفیت‌ها، استعدادها، امکانات، بینش‌ها، ارزش‌ها و امیدهایشان دیده شوند.(٩)

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-01-30]

توانمندسازی به‌طور عام و توانمندسازی افراد کارتن‌خواب به‌طور خاص، فرایندی مشارکتی است و ادبیات پژوهشی نشان می‌دهد که کنشگران متعددی در آن نقش دارند. یافته‌های این پژوهش تایید می‌کنند که مهمترین این کنشگران، شخص توانمند شونده، خانواده او، مددکار اجتماعی، سازمان‌های‌های توانمندساز و جامعه است. جامعه به‌طور غیرمستقیم از طریق سیاستگذاری، نهادها و سازمان ها، نقش خود را ایفا می‌کند. عدم مشارکت یا غیر فعال بودن هر یک از این عناصر، توانمندسازی را مختل می‌سازد. در سطح کلان دولت و سازمان‌های دولتی ایفای نقش می‌کنند. سازمان‌های مردم نهاد، خیریه‌ها و سازمان‌های خصوصی انتفاعی بخش دیگر این کنشگرانند که می‌توانیم آن‌ها را سطح میانی بدانیم. خانواده شخص کارتن‌خواب و بی‌سرپناه کنشگر مهم دیگری است که قبل از شروع کارتن‌خوابی فرد تا مراحل توانمندسازی و پس از آن، با این پدیده و با عضو کارتن‌خواب خود درگیر است. کنشگر دیگر شخص کارتن‌خواب است که در توانمندسازی خود نقش ایفا می‌کند و چه‌بسا نقش اصلی بر عهده اوست. توانمندسازی مشارکتی همسو با نظریه ساختاربندی گیدنز است که سطوح خرد و کلان را با هم تلفیق کرده تعامل بین آن دو را برجسته نموده و معتقد است ساختار اجتماعی و عاملیت انسانی هیچکدام برتری ندارند، نه ساختارهای اجتماعی و نه بازیگران فردی نمی‌توانند مستقل و بدون وجود دیگری عمل کنند.(٦)

اغلب مشارکت‌کنندگان در این پژوهش معتقدند دولت باید نقش سیاستگذاری و نظارت داشته باشد و اجرا را به انجمن‌ها و سازمان‌های مردم نهاد و خیریه‌های متعددی که در این حوزه فعال و تاثیر گذارند، واگذار نماید. پژوهش نشان می‌دهد که جمع‌آوری و توانمندسازی اجباری نتیجه نمی‌دهد، توانمندسازی ماهیتی داوطلبانه دارد. ترغیب‌سازی و ایجاد انگیزه در افرادی که تمایل و انگیزه‌ای برای مشارکت در این برنامه‌ها ندارند، ضروری است. این یافته متناسب با نظر شی یر ۲۰۱۰ است که می‌گوید باید شرایطی فراهم شود که احساس امید در شخص بی‌خانمان، امید به تغییر وضعیتش زنده شود.(۱۷) همچنین این یافته همسو با رویکرد بانک جهانی است که می‌گوید در اصل، توانمندی از تغییر مبتنی بر خود تصمیم‌گیری صحبت می‌کند.(۸)

یافته‌ها نشان می‌دهند به لحاظ اینکه کارتن‌خواب‌ها بر اساس نوع‌شناسی و شرایط متفاوتند، الگوی یکسانی را نمی‌توان برای همه آنان به‌کار برد.

توانمندسازی افراد کارتن‌خواب یک فرایند اجتماعی است و توانمندسازی این افراد در زمینه و بستر اجتماعی جامعه بزرگتر و کلی صورت می‌گیرد و بستگی به امکانات جامعه و شرایط اجتماعی دارد. این پژوهش نشان می‌دهد بی‌ثباتی اقتصادی، تورم پولی، افزایش بیکاری و فقر، مانعی در راه توانمندسازی این افراد است و برای پیشگیری و یا کاهش بی‌سرپناهی، فقر و کارتن‌خوابی و همچنین موفقیت برنامه‌های توانمندسازی برای اقشار ضعیف و آسیب دیده، اقدامات کلان و ساختاری ضرورت دارد. این یافته همسو با رویکرد لی است که طبق آن، برای توانمندسازی افراد ضرورت دارد هم بر افراد و هم بر محیط اجتماعی که شامل امکانات و منابع اجتماعی، سیاست و برنامه‌های اجتماعی و نظام توانمندکننده است تمرکز گردد.

فرهنگ توانمندسازی در اینجا به این معناست که در جامعه به‌جای فرهنگ صدقه‌دهی، گداپروری، کارتن‌خواب پروری و وابسته سازی؛ فرهنگ توانمندسازی افراد کارتن‌خواب و فقیر، ساری و جاری باشد. چنین فرهنگی در راستای توانمندسازیست و حتی می‌تواند بخشی از آن باشد. تغییر نگرش جامعه و مردم به کارتن‌خواب‌ها، چگونگی رفتار و برخورد با آنان، نگرش خود کارتن‌خواب‌ها به خودشان، و مساله‌هایی از این دست، می‌تواند محورهای فعالیت در این زمینه باشد. این فعالیت‌ها باید توسط سازمان‌های مردم نهاد و مردم، و نه بخش دولتی و اجرایی، پیش‌برده شود. این یافته همسو با نظر گافمن۱۹٦۸ است که اشاره دارد بسیاری از برچسب‌ها انگ منفی بوده و پیامدهای منفی دارند. برای مثال انگ منفی منبع شرمندگی و مانع رهایی از بی‌خانمانی و مانع تلاش برای وارد شدن به جامعه غیربی‌خانمان است، ترس از مردم نقش آنان در تعاملات روزانه را دشوار می‌سازد. برچسب‌هایی که مردم به افراد بی‌خانمان می‌زنند، بر شیوه‌ای که ما آنان را می‌بینیم و با آنان رفتار می‌کنیم و حتی پول می‌دهیم اثر می‌کند.(۵)

فرایند توانمندسازی افراد کارتن‌خواب به راحتی پیش نمی‌رود از یک سو با موانعی از جمله بی‌اعتقادی برخی مدیران شهری به توانمندسازی، ناهماهنگی سازمان‌های مجری، موازی کاری سازمان‌های درگیر، مقاومت برخی مدیران در پذیرش شیوه‌های

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-01-30]

جدید و علمی، کمبود امکانات، ضعف نظام رفاهی روبروست، از سوی دیگر با بی‌اعتمادی کارتن‌خواب‌ها به طرح‌های توانمندسازی، بی‌اعتمادی آنان به سازمان‌های مجری، پایداری انگ اجتماعی کارتن‌خوابی، فقدان آمار واقعی از تعداد کارتن‌خواب‌ها و واجدین شرایط توانمندسازی. علیوردی‌نیا در این خصوص می‌نویسد مداخله در کارتن‌خوابی نیازمند جامع‌نگری، در برگیرنده سطوح مختلف پیشگیری، مراقبت و حمایت است. اگرچه فعالیت‌های بسیاری صورت گرفته، شفاف نبودن وظایف دستگاها و سازمان‌های مربوطه و همچنین کافی نبودن قوانین و مقررات هنوز آشکارا دیده می‌شود.(۳)

یافته‌ها نشان می‌دهند ناکارآمدی نظام رفاه اجتماعی و فراگیر نبودن آن، نه تنها نمی‌تواند از کارتن‌خوابی و بی‌خانمانی پیشگیری کند، بلکه یکی از موانع اصلی موفقیت برنامه‌های توانمندسازی و تداوم آن است. این ناکارآمدی باعث می‌شود حتی کارتن‌خواب‌هایی که تحت برنامه‌های توانمندسازی قرار گرفته‌اند، پس از پایان برنامه، به شرایط قبلی زندگی خود بازگردند و مجددا کارتن‌خواب شوند. این یافته تایید کننده نظر جنکس است که می‌گوید زاییده شدن در فقر و محرومیت همراه با فقدان حمایت اجتماعی منجر به زندگی در خیابان می‌شود.(۱۶)

الگوی توانمندسازی پیشنهادی نتیجه کلی این پژوهش است. این الگو دارای ویژگی‌های بدین شرح می‌باشد: هم کارتن‌خوابی و هم توانمندسازی ماهیتی اجتماعی دارند و باید رویکرد اجتماعی به آن‌ها داشت. این رویکرد پدیده کارتن‌خوابی را محصول ناکارآمدی جامعه دانسته و بر راه حل‌های اجتماعی تاکید دارد. این رویکرد همچنین بر محله محوری، جامعه محوری، مراقبت اجتماعی در جامعه و مانند آن توجه و تمرکز دارد. توانمندسازی با رویکرد مددکاری اجتماعی می‌تواند در برگیرنده تمامی این رویکردها باشد. در این الگو، اصول و ارزش‌های مددکاری اجتماعی که همگام با رویکرد اجتماعی است در نظر گرفته می‌شود. افراد کارتن‌خواب حق خود تصمیم‌گیری و حق انتخاب دارند. آزادانه و داوطلبانه وارد فرایند توانمندسازی می‌شوند. به‌رغم اعتیاد و کارتن‌خوابیشان، شان انسانی آنان رعایت شده و از حقوق شهروندی برخوردارند. حریم خصوصیشان و رازداری درباره آنان رعایت می‌گردد. اسکان اولیه حمایت شده و برآورده‌سازی دیگر نیازهای اولیه این افراد از ضروریات توانمندسازی آنان است. توانمندسازی مبتنی بر اشتغال برای این افراد ضروریست. آنان به این طریق می‌توانند به توانمندسازی اقتصادی برسند. به‌کارگیری رویکرد توانایی محور در راستای توانمندسازی و ظرفیت‌سازی افراد کارتن‌خواب است. در این الگو بر آگاه‌سازی، ارتقای شناخت افراد کارتن‌خواب و افزایش عزت نفس و امیدواری آنان تاکید می‌شود.

حرفه آموزی، کسب مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی، بازسازی شخصیتی و اجتماعی‌سازی مجدد این افراد می‌تواند از طریق آموزش حاصل گردد. همچنین برخی از کارتن‌خواب‌ها برای ماندگاری در توانمندسازی نیاز به خودکنترلی و پرهیزمداری پرهیز از سومصرف مواد و رفتارهای منفی؛ دارند که از طریق آموزش و حمایت اجتماعی می‌توانند به این اهداف برسند. بر ترمیم و بازسازی رابطه کارتن‌خواب با خانواده که به احتمال زیاد قطع شده یا آسیب‌دیده است، تاکید می‌گردد و نهاد خانواده در توانمندسازی عضو کارتن‌خواب خود مشارکت فعال داده می‌شود. آن دسته از کارتن‌خواب‌ها که نسبت به توانمندسازی بی‌انگیزه و بی‌تفاوتند، بر انگیخته و ترغیب می‌شوند. مشارکت فعال و داوطلبانه آنان نیز امری ضروری است.

الگوی توانمندسازی با رویکرد مددکاری اجتماعی برای افراد کارتن‌خواب می‌تواند در نهایت به بازگشت به جامعه، استقلال، خودکفایی و خود اتکایی هر چه بیشتر این افراد منجر شده، و با کاهش یا پیشگیری از وابستگی آنان به سازمان‌های حمایتی و موسسات خیریه همراه باشد.

محدودیت: دسترسی به کارشناسان روند کار این پژوهش را دشوار و با کندی روبرو می‌کرد.

پیشنهادها: انجام پژوهش درباره ارزشیابی و اثر بخشی مداخلات و برنامه‌های توانمندسازی که تا کنون در باره افراد کارتن‌خواب صورت گرفته یا می‌گیرد، ضرورت دارد. همچنین به‌نظر می‌رسد نوع‌شناسی کارتن‌خواب‌ها و تعیین شاخص‌های کارتن‌خوابی نیاز به پژوهش بیشتری دارد. یافته‌های این پژوهش و الگوی پیشنهادی به مثابه مجموعه پیشنهادات می‌تواند مورد استفاده سازمان‌ها، سیاستگذاران و مجریان این حوزه و توانمندسازی افراد کارتن‌خواب قرار گیرد. همچنین ضرورت دارد در جهت فرهنگ‌سازی در خصوص نحوه برخوردمردم با افراد کارتن‌خواب و تغییر نگرش‌ها تلاش گردد. بهتر است این فعالیت را

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-01-30]

به‌ویژه سمن‌ها و خیریه‌ها برعهده گیرند.

نقــاط قوت پژوهش این که برای اولین بار الگوی توانمندســازی افراد کارتن‌خــواب با رویکرد مددکاری اجتماعی طراحی و تحلیل شــد. از تجربیات دیگر کشــورها در خصوص مداخله و توانمندسازی این افراد استفاده گردید و تلاش شد با مطرح کردن دیدگاه‌های مجریان و نگرش کارتن‌خواب‌ها، خلا موجود بین این دو دیدگاه پر شود.

سپاسگزاری: در پایان از مشارکت‌کنندگان در این پژوهش و همچنین شــهرداری تهران، مرکــز مطالعــات و برنامه‌ریزی شــهر تهران، به‌خاطر حمایتشان تشکر و قدردانی می‌شود.

منابع

References:

1. Kalantri A. et al. Social policy in front of sleeping rough phenomenon. The centre of studies and city planning of Tehran; 2013: 29-31-36 [Persian].
2. Mills C W. The sociological imagination. London: Oxford university;1959:6.
3. Aliverdinia A. Sociology of sleeping rough. 1 edition, Jaameeshenasan pub; 2011:11-12-15-16-54 [Persian].
4. Mohammadpur A. Qualitative research Method, Contre Method 2. Jaameeshenasan pub; 2013: 67-68-184-238 [Persian].
5. Ravenhill M H. The culture of homelessness: an ethnographic study[Dissertation]. London school of economics. proQuest LLC; 2014: 32-35.
6. Sadan E. empowerment and community planning: theory and practice of people-focused social solutions. Hakibbutz Hameuchad; 2004: 40 -142-144 - 148.
7. Carol M.N. Housing, homelessness and capabilities. Centre for housing policy. University of York London; housing, theory and society, 2009; 27(1): 25-41.
8. The world bank group. 2016. Available at: http://go.worldbank.org/VELLT7XGRO.
9. Saleebey D. The strengths perspective in social work practice: extensions and cautions. Social work 1996 : may, 41 (3): 296-305.
10. Pane M. Modern social work theory. Translated: Talaat Allahyari, Akbar Bakhshinia, Theran: Danjeh Pub, 2010; 557-559. [Persian].
11. Sedigh Sarvestani R. , Nasr Esfahani A. Addiction, social exclusion, sleeping rough. Journal of review of social affarire of Iran, 2011; summer.1(4): 12 -18.[Persian].
12. Daghaleh A. , Kalhor S. City pathologies of Tehran. Cultural and social studies of Tehran municipality. Jaameeshenasan Pub: 2011: 42.[Persian].
13. Parvin S, Babaee A. Review of functioning of Tehran municipality. The centre of studies and city planning of Tehran city; 2013: 17.[Persian]
14. Tanekenov A. Empowering homeless people through employment: the experience of British social enterprises and lessons for Kazakhstan[Dissertation]. Heriot-Watt university school of the built environment; 2013:152.
15. Morgan W J. Escaping from homelessness. An interpretative phenomenological study [Dissetation]. The universities of Coventry and Warwicek, Department of clinical psychology; 2011: 9.
16. Gatlin, D W. The Voice of the Homeless Adult Male[Dissetation]. Available at: ttp://digitalcommons. Olivert. Ede_diss; 2014: 2-33-45.
17. Shier M L. Perspectives of employed people experiencing homelessness of self and being homeless. University of Calgary, Canada. Journal of sociology & social welfare; 2010;37(4): 1-25.
18. Mayor R C. African American men facing homelessness and co-occurring disorders [Dissetation]. Marquette university, Milwakee, Wisconsin; 2011: 11-14.
19. Philipps K. Homelessness: causes,culture and community development as a solution[Dissertation]. Available at: http://digitalcommons.salve.edu/pell_theses/88; 2012: 31.
20. Anderson I. Service for homeless people in Europe: supporting pathways out of homelessness. University of Stirling Scotland,Uk ; 2010: 41-65.
21. Shakeri. Baharan effective measurement.[8 Nov2016].Avaliable from: https://www. mehrnews. Com/news/3818951. [Persian].

wnloaded from socialworkmag.ir on 2026-01-30]